



سورة حدید

آیه - ۱

همه چیز تسبیح خدا میگوید!

۱ - سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ

: آنچه در زمین و آسمانها است تسبیح خدا میگوید (و او را از شرف و نقائص تنزیه و تقدیس میکند) و او دانا و حکیم است .

این سوره ، از سوره های دمدنی است ، و تمام آیات آن حاکی است که ظرف نزول آنها موقعی بود که پیامبر و یاران او در مدینه مستقر شده بودند ، و مجال آن بود که پیامبر ؛ يك سلسله معارف عقلی را که از خصائص آئین اسلام است بیان نماید ، بلکه آیه دهم از سوره حاکی است که این سوره پس از فتح مکه نازل گردیده ، زیرا در این آیه میفرماید : کسانیکه در راه خدا پیش از فتح مکه انفاق میکردند ، با اشخاصی که پس از فتح مکه انفاق مینمایند یکسان و برابر نیستند و دسته اول برتری دارند .

هدف این سوره بیان يك سلسله معارف فکری و عقلی است ، که تا نزول قرآن ، فکری و فلسفی و متفکری بآن نرسیده بود ، ولی پیامبر درس نخوانده و کتاب نرفته ، در آن محیط تاریک این رشته از معارف را در ضمن چند آیه بوسیله وحی بیان نموده است .

و اگر در مجموع سوره های قرآن ، تنها همین سوره بر قلب پیامبر نازل میگردد ، از نظر اعجاز و تثبیت نبوت وی کافی بود ، شما تنها شش آیه از او اهل این سوره را با دقت بیشتر مطالعه نمایید سپس قضاوت کنید که چگونه يك فرد درس نخوانده و کاتب نرفته ، معارف الهی را درک کرده ، و آنچنان آنها را محکم و استوار بیان نموده که متفکران جهان و پی افکنان معارف عقلی و فلسفه اسلامی با گذشت سده ها سال ، و بکمک براهین و استدلال عقلی ، شبحتی از این مطالب را درک و بیان نموده اند .

در عظمت این سوره از نظر بلندی مطالب، کافی است که مفسر عالیقدر شیعه علی بن ابراهیم میگوید: اینکه از پیامبر اکرم منقول است: **اعطیت جوامع الکلم** (خداوند اصول سخنان حکمت آمیز را بمن داده است) منظور برخی از آیات این سوره است.

محدث عالیقدر اسلام شیخ کلینی از امام سجاد (ع) نقل نموده است که آنحضرت فرمود: خداوند میدانست که در آخر الزمان افراد متفکر و عمیق در میان جامعه انسانی بوجود میآید، از این نظر سوره توحید، و شش آیه از آیات این سوره را نازل نمود تا آیندگان با تدبیر در مفاد این آیه ها خدا را بشناسند، و هر کس در خدا شناسی و یا صفات شناسی غیر این راه را بییابد، بطور مسلم گمراه شده است (۱)

منظور از تسبیح چیست؟!

تسبیح در لغت بمعنای تنزیه از بدیهاست. و هر موجودی را از بدیها و ناشایستهها، از نقائص و عیوب تنزیه و تقدیس نمائیم، آنرا تسبیح میگویند، بنا بر این تنزیه از نقص و بدی در حقیقت تسبیح نهفته است، و هر معنائی که برای تسبیح شود، ولی حاکی از تقدیس خداوند و تنزیه او از عیب و نقص نباشد، نمیتوان آنرا تفسیر صحیح برای تسبیح دانست.

گروهی از مفسران گفته اند مراد از «ما» در «ما فی السموات» موجودات عاقل و دارای شعور است، و منظور انسان و فرشته است که خداوند را با کمال ادراک و شعور تقدیس مینمایند. بسیاری از مفسران این نظر را نپذیرفته و گفته اند که مقصود ام از عاقل و غیر عاقل و مدرك و غیر مدرك است، و ظاهر آیه با نظر آنان وفق میدهد، زیرا لفظ «ما» معمولاً در مطلق موجودات بکار میرود، عکس «من» که بیشتر در صاحبان عقل و شعور استعمال میشود ایندسته برای تسبیح معانی گوناگونی ذکر کرده اند، ولی اکثر آنها با اینکه صحیح است، نمیتواند مفسر معنای تسبیح باشند. اکنون در اینجا با آنها اشاره مینمائیم.

۱ - منظور از «تسبیح» تسبیح تکوینی است یعنی سازمان دقیق هر موجودی گواهی میدهد که سازنده و آفریدگاری دارد حتی يك فرد مادی که بزبان منکر وجود خدا است، دستگاه و سازمان وجودی وی گواهی میدهد، که آفریدگاری دارد.

این نظر (در عین صحت) نمیتواند مفسر معنای تسبیح باشد زیرا چنانکه گفته شد، در حقیقت آن، تنزیه و تقدیس از ناشایستهها نهفته است، و دلالت هر موجودی بر اینکه سازنده و آفریدگاری دارد، ربطی بمسأله تسبیح و تنزیه از شرك و عیب و نقص ندارد.

۲ - میگویند منظور از تسبیح، همان خضوع و گردن نهادن تکوینی هر موجودی بفرمان

واراده الهی است و هر موجودی در برابر اراده و مشیت خداوند مقاومت ننموده ، و در پذیرش اصل هستی ، و پیروی از قوانینی که خداوند برای آنها تعیین نموده است آماده و تسلیم است ، و آیاتی بر این نظر گواهی میدهد ، از جمله : **ثم استوی الى السماء وهي دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا او كرها فأتتا اتيناطاعين** (فصلت - ۱۱) یعنی سپس بکار آسمان پرداخت در حالیکه بصورت گاز بود ، و بان و زمین خطاب کرد که بر غبت و یا کراهت زیر فرمان ما قرار گیرید آنها با کمال رغبت پیرو مشیت الهی شدند .

و نیز آیاتی که در آنها بتمام آنچه در زمین و آسمانست ، نسبت سجود و خضوع داده شده است میتواند مؤید نظر فوق باشد ، و برای نمونه بنقل يك آیه اکتفا میکنیم : **ولله يسجد ما في السموات وما في الارض من دابة والالملائكة وهم لا يستكبرون** : آنچه در زمین و آسمان از جنبندگان و فرشتگان وجود دارد خدا را سجده میکنند و تکبر نمیورزند - (نحل - ۴۹) ولی ما تصور میکنیم که این نظر نیز صائب نیست ، زیرا مسأله خضوع و سجود ، و تسلیم شدن در برابر اراده خداوند ارتباطی بمسأله تنزیه و تقدیس حق ، از شرک و عیب ندارد ، و نباید این دو مطلب را بهم آمیخت اگر چه هر کدام از اینها در جای خود درست و استوار است .

۳ - سازمان وجودی هر موجودی علاوه بر اینکه گواهی بر وجود صانع خود میدهد ، اوصاف موجد و صانع خود را نیز بیان میکند ، رموز و اسرار پیچیده ای که در دستگاه وجودی هر ممکنی است ، بلسان تکوین گواهی میدهد که خالق آن دانا و توانا است ، و بالنتیجه از عجز و جهل مبرا و منزله و مقدس است ، و یا نظم واحدی که در یک موجود و در سراسر گیتی حکم فرما است ، گواهی میدهد که مجموع جهان زیر نظریک مدبر که این نظم را بوجود آورده اداره میشود ، و هیچ موجودی غیر از خداوند در برقرار کردن نظم در این جهان ، دخالتی نداشته ، و در نتیجه سراسر جهان هستی با نظم واحدی که دارد ، آفریدگار جهان را از داشتن شریک و انباز تقدیس و تنزیه مینماید ، و نظم هر موجودی از نظر اینکه جزئی از نظام کلی آفرینش است ، نیز این دلالت را دارد . در برابر این نظریها ، نظر چهارمی نیز هست که دسته ای از دانشمندان عالیقدر اسلام آن را تأیید کرده و برهانی روی اصول خود اقامه نموده اند و آن اینکه : هر موجودی علاوه بر تقدیس تکوینی ، يك تسبیح اختیاری دارد که بر ما پوشیده و بر خود آن پوشیده نیست ، چه مانع دارد ، که هر یک از وجودات بفرار خود ، نسبت بسهمی که از هستی با و اختصاص داده شده ، خدا را با بیان و زبان مناسب مقام خود ، تنزیه و تقدیس نماید ، و این خود یکی از معارف عقلی است که قرآن کریم بان اشاره کرده و میفرماید : **تسبح له السموات السبع والارض ومن فیهن وان من شیء الا یسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم** (اسراء - ۴۴)

: یعنی هفت آسمان و زمین و آنچه در آنها است ؛ و هر موجودی ، خداوند را با ستایش خود

از نقص تنزیه و تقدیس میکنند ولی شما تسبیح آنها را نمیفهمید (۱)

ظاهر آیه اینست که هر يك از موجودات ، يك طرز تسبیحی دارند ، که برای ما مفهوم و معلوم نیست ، و این خود میرساند که نحوه تقدیس آنها ، غیر از آن است که در نظرهای پیش بیان شد زیرا اگر منظور همان تسبیح تکوینی آنها آنهم با طرق سه گانه ای که گفته شد ، باشد ، قطعاً تنزیه و تقدیس آنها برای ما روشن و مفهوم خواهد بود . بنابراین بایست اعتراف کرد که اکتفاء بتسبیح تکوینی با ظاهر آیه چندان سازگار نیست .

مؤید این نظر آیه چهل و یکم از سوره نور است ، که برای طیور و مرغان هوایی صلوة و

تسبیحی نیز اثبات مینماید چنانکه میفرماید : **الم تر ان الله یسبح له من فی السموات و**

الارض و الطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه و الله عظیم بما یفعلون یعنی آیا نمیدانید

که آنچه در آسمانها و زمین است و مرغان هوایی یا بالهای گشوده ، خداوند را تنزیه مینمایند؟ خداوند بر دعا و تسبیح هر یک واقف و عالم است ، خدا با آنچه انجام میدهند دانا است .

در این آیه خصوصاً اگر بگوئیم منظور از «هن» اعم از ذوی العقول است ، برای موجودی

مانند مرغ دعا و تسبیح اثبات نموده ، و خود خداوند را عالم بردعاء و تسبیح آنها دانسته است .

بنابراین ، این گونه تسبیح يك حقیقت علمی و عقلی است که قرآن مجید پرده از روی

آن برداشته است ، و بعدها بزرگانی از فلاسفه ما بر این علمی آنرا مدلل ساخته اند . مشروح بیانات آنها در کتابهای فلسفی و کلامی ذکر شده است .

(۱) گاهی دیده میشود که برخی روی بی اطلاعی «لاتفقهن» را بمعنای عدم توجه گرفته

اند در صورتیکه این دو لفظ دو معنای مختلف دارد ، و اینگونه تفسیر از تفسیر برای دور نیست .

نوزادان معتاد !

نیویورک .. اداره بهداشت نیویورک اعلام داشت که همه ساله صدها کودک

معتاد بمواد مخدره در این شهر بزرگ بدنیا می آیند .

باین ترتیب کودکانی که مادر آنها به استعمال مواد مخدره عادت دارند

علامت اعتیاد در آنها مشاهده میشود !

«جرائد»